وجود چهار روایت «سبعه احرف» در منابع روائی شیعی

بحث دیروز نیمه کاره ماند. روایت اول را خواندیم. فرمودند:

و ربّما استدلّ علیه بقول الصادق علیه السلام فی خبر حمّاد بن عثمان «إنّ القرآن نزل علی سبعة أحرف و أدنی ما للإمام أن یفتی علی سبعة وجوه .. الحدیث» و فی دلالته تأمّل[۱]

اگر ملاحظه کنید می‌بینید مرحوم آسید جواد عاملی در مانحن فیه دو حدیث را آورده‌اند. و حال آنکه در روایات شیعه چهار حدیث داریم. باید از هر کدام از این احادیث استظهار شود و سندشان بررسی شود تا این چهار حدیث در فضا بیاید. من تأکید دارم. چون هر کدام از آن‌ها بخش مهمی از معنای «سبعة احرف» را در بردارد. وقتی این چهار حدیثی که در کتب حدیثی شیعه و بزرگان محدثین شیعه را بررسی می‌کنید، انعطاف این واژه کوتاه «سبعة احرف» برای شما بیشتر روشن می‌شود. یعنی چقدر این واژه منعطف است و چقدر می‌تواند محامل مختلفی داشته باشد!

یکی از این چهار حدیث برای کتاب بصائر است که «تفسیر القرآن علی سبعة احرف[۲]» دارد. این برای روایت بصائر است. یکی روایت تفسیر نعمانی است؛ روی مشایخان عن اصحابنا؛ این تعبیری که نعمانی می‌آورد تعبیر بزرگی است. دلالت دارد بر اینکه این حدیث معروف بوده. حالا روایتش را می‌خوانم. این چهار روایت را در نظر داشته باشید. نباید غفلت داشته باشیم که در این فضا چهار روایت است. این روایات هم در بستر شیعی قوی نقل می‌شود. الآن این روایت حماد را شیخ صدوق از چه کسی نقل می‌کنند؟ از محمد بن حسن بن ولید که از بزرگان محدثین شهر قم است. یعنی اینطور نیست که این حدیث در بستر عامی بیرون از شیعه باشد. اینها مهم است.

نکته ی دیگری که تأکید می‌کنم تا عرض بعدی را بگویم، این است که معمولاً تنها قسمت منظور این حدیث را می‌آورند و به قبل و بعد از آن مراجعه نمی‌شود. و حال آنکه سیاق حدیث خیلی مهم است. الآن ایشان روایت حماد[۳] را به این صورت نقل می‌کنند که «ان القرآن نزل علی سبعة احرف». درحالی‌که حماد سؤال می‌کند. سؤال حماد در فهم جواب امام علیه‌السلام بسیار دخیل است. یعنی شما اصلاً سؤال را نیاوردی و تنها اینجا را بخوانید! نباید اینطور باشد. حماد می‌گوید به حضرت عرض کردم «ان الاحادیث تختلف عنکم»؛ از ناحیه شما احادیث مختلفی به ما می‌رسد. «فقال علیه‌السلام ان القرآن نزل علی سبعة احرف فادنی ما للامام ان یفتی علی سبعة اوجه ثم قال هذا عطاؤنا فامنن أو أمسك بغیر حساب». ببینید سؤال و دنباله آن در فهم مراد دخالت دارد. ما نباید همین را نقل کنیم و بگوییم «فی دلالته تأمل»! اینجا جای این است که کل حدیث را بیاوریم.

بنابراین ما چهار حدیث داریم، نه دو حدیث. در دنباله حدیث نعمانی هست: «کلها شاف کاف، أمر، و زجر...». دارد توضیح می‌دهد. پس ما این چهار حدیث را داریم.

[1]مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط-جماعة المدرسين) ج7ص215

[2]بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج1، ص: 196؛حدثنا الفضل عن موسى بن القاسم عن أبان عن ابن أبي عمير أو غيره عن جميل بن دراج عن زرارة عن أبي جعفر ع قال: تفسير القرآن على سبعة أحرف منه ما كان و منه ما لم يكن بعد ذلك تعرفه الأئمة.

[3]الخصال، ج2، ص: 358؛ حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضي الله عنه قال حدثنا محمد بن الحسن الصفار عن العباس بن معروف عن محمد بن يحيى الصيرفي عن حماد بن عثمان قال قلت لأبي عبد الله ع إن الأحاديث تختلف عنكم قال فقال إن القرآن نزل على سبعة أحرف و أدنى ما للإمام أن يفتي على سبعة وجوه ثم قال هذا عطاؤنا فامنن أو أمسك بغير حساب

بازبینی #2
ایجاد شده 14 آوریل 2024 13:20:09 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 مه 2024 16:44:11 توسط ... .